

حاج میرعلی ابن عباس تبریزی

در قرون وسطی منجمین، حکما، فیلسوفان و سایر شخصیت های علم و فضل سواد و معلومات را با تصاحب هنر شاعری و خطاطی به حساب می آوردند و کسب شهرت با خطاطی و شاعری نسبتا دشوار بوده است.



در قرون وسطی منجمین، حکما، فیلسوفان و سایر شخصیت های علم و فضل سواد و معلومات را با تصاحب هنر شاعری و خطاطی به حساب می آوردند و کسب شهرت با خطاطی و شاعری نسبتا دشوار بوده است. لیکن با این خصوصیات سخت هنر خطاطی خود را نشان می داد.

در آذربایجان بسیاری از مترجمین و خطاطان در کتابخانه ها و سایر مؤسسات کتاب ها را ترجمه و از آنها نسخه برداری می کردند و برای نوشتن سنگ های مقابر، زیارتگاه ها و بناهای تاریخی و ملکی قالب های خطی می ساختند و برای اینکه قرآن با خط عرب نازل گردیده، مردم به خطاطان به خصوص خطاطان عرب رغبت نشان می دادند و برای آنها عزت و احترام قائل می شدند و الفبای عرب را منشاء الهی تصور می کردند و با اینکه خطوط مختلفی بین مردم متداول بود لیکن در قرن ۱۴ میلادی خط نستعلیق بالاترین جای خود را گرفته بود.

گروه اساتید این هنر از خالق آن «حاج میرعلی ابن عباس تبریزی» شروع می شود.

خطاط معروف قرن ۱۴ میلادی جعفر تبریزی نیز به همین مکتب وارد شده است. او خط نستعلیق را در خراسان و ترکستان از خطاط بزرگ آذربایجان میرعبداله تبریزی که با لقب «شکر قلم» معروف بود یاد گرفت. دوران حیات جعفر تبریزی با دوره استیلای آسیای میانه از طرف تیمور مصادف بوده است.

جعفر تبریزی در سرای میرانشاه پسر تیمور حکمدار آذربایجان به فعالیت خطاطی مشغول بود و بعد به قصد فعالیت کاری به اتفاق عده ای از اساتید، نقاشان و خطاطان در هرات به سرای شاهرخ پسر دیگر تیمور می روند.

در آن جا جعفر همیشه در کنار بایسونقور پسر شاهرخ دیده می شد به طوری که شاهزاده هنردوست حرمت بخصوصی به جعفر قایل می شد و او را زیر حمایت خود آورده و تخلص بایسونقوران را به او اهدا می کند. نظر به منابع قرون وسطی جعفر موقعی که نزد سونقورمیرزا مشغول بوده به کتابخانه و امور آن نیز رسیدگی می نمود و در آن جا نزدیک به چهل جلد کتاب های دست نویس شده وجود داشته که از آنها نسخه برداری می کرده است.

در آن جا مینیاتوربست ها و تذهیبکاران، چرم و صفحات کاغذ و جلد کتاب ها را با آب طلا تزیین می کردند. همچنین اساتید تبریز عنان تبریزی، ابراهیم صفار تبریزی و خواجه علی منصور مشغول فعالیت بودند. لیکن جعفر تبریزی در آن جا مثل یک استاد و سرپرست قابلیت خود را نشان می داد بخصوص در امور کتابخانه فعالیت بیشتری داشت از جمله به حساب های آن جا رسیدگی می کرد. لیست آنها را تنظیم و به بایسونقورمیرزا تقدیم می کرد.

در آن موقع نستعلیق در دو نوع ریز و درشت نوشته می شد. نستعلیق درشت را معمولا به صورت قطعه می نوشتند و از نوع ریز آن در نوشتن فرامین حکما، مکتوب، منظوم و غیره استفاده می کردند و نمونه هایی از آنها را روی ورقه کاغذ تذهیب نموده و به روی مقوا می چسبانیدند و در نسخه برداری از آثار شعرا و نویسندگان نوع ریز و میانه آن به کار برده می شد. در نیمه دوم قرن ۱۵ میلادی نوع ریز آن در هرات به کامل ترین مرحله خود رسید و خطاطان هرات زیر نظر جعفر تبریزی آن را خلق می کردند و خط هراتی می گفتند و خط نستعلیق جعفر از نوع هراتی به شمار می رفت. بعدها شاگردان جعفر تبریزی، اظهر تبریزی و شاه محمود زرین قلم نوع نستعلیق حافیلس را از او یاد گرفتند و در میان سایر شاگردانش نوع کلاسیک آن را با استادی و قدرت قلم خطاطی می کردند.

جعفر تبریزی در زمان فعالیت خود در سرای شاهزاده بایسونقور تعدادی از کتابها را شخصا نسخه برداری نموده بود که آنها نیز در تاریخ خطاطی به خوبی معلوم است.

شاهنامه فردوسی در سال ۱۴۳۰، گلستان سعدی در ۱۴۲۷ و خمسه نظامی گنجوی در سال ۱۴۳۱ و سایر آثار بزرگان و هنرمندان با خط نستعلیق نمونه هایی از آثار نفیس و گرانبهای اوست. آنها در موزه ها و کتابخانه های بزرگ و معتبر پاریس، دبلو، تهران، استانبول، سانت و پتروگراد نگهداری می شوند.

جعفر تبریزی به عنوان شاعر هم شناخته شده بود. او برای مرگ بایسونقور مرثیه نوشته و در سرای شاهرخ و پسران او بایسونقور و علاء الدین اشعار بسیاری سروده است. جعفر در سال ۱۴۸۰ میلادی در ۹۵ سالگی در شهر هرات بدرود حیات گفت.